

دفن جسد برادر در نخلستان

بسد که مدام در خانه سا درگیری باشد. او به موادمخدر هم اعتیاد شدید داشت و من او را مقصر ناراحتی های مادرم می دانستم.

در این سال ها به دنبال راهی برای انتقام بودم. چند روز قبل با برادرم از خانه بیرون رفته و با قصد و نیت قلیلی می خواستم هر طور شده او را بکشم از این رر وی را خفه کردم. وقتی از مرگش مطمئن شدم، تصمیم به دفن جسد گرفتم. جسدش را به نخلستان بردم گوشه ای را پیدا کردم و گودالی کندم و جسد برادرم را در آنجا دفن کردم. بعد هم روی آن را با خاک پوشاندم تا پیدا نشود.

پس از این اعترافات، تیمی از ماموران اداره پلیس آگاهی و بازپرس در محل دفن جسد حاضر شده و پس از خاکبرداری از آنجا، جسد متول را پیدا کردند. جسد برای تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد .

در ادامه با کشف این جسد بار دیگر ماموران

به گزارش « خبرنگوب»، چند روز قبل مردی سا مراجعه به پایگاه پلیس آگاهی کازرون با طرح شکایتی گفت: چند روز قبل یکی از پسرانم برای خرید از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. با طولانی شدن غیبت پسرم جست وجو برای پیدا کردن او را آغاز کردم اما ردی از او به دست نیامد. به همین خاطر تصمیم گرفتم به پلیس مراجعه کنم و از ماموران برای یافتن پسرم کمک بگیرم.

پس از این شکایت ماموران تحقیقات خود را آغاز کرده اما هیچ ردی از مرد جوان به دست نیاوردند. جست وجوها ادامه داشت تا این که ماموران به برادر مقودی مشکوک شده و او را تحت بازجویی قرار دادند که وی لب به اعتراف گشود و به قتل برادارش و دفن جسد او در نخلستان اعتراف کرد. پسر جوان درباره انگیزه اش از قتل گفت: من و خانواده ام با هم زندگی می کردیم. برادرم مرد بد اخلاقی بود و آزار و اذیت های او باعث شده



پسر جوانی پس از قتل برادارش، جسد او را در نخلستانی اطراف خشت دفن کرد. متهم در بازجویی ها مدعی شد، آزارهای برادرش باعث درگیری های شدید بین آنها شده است.

آشوب یک زن در شورای شهر بابل

هفته پیش خبر دستگیری چند تن از اعضای شورای شهر بابل به دنبال یک رسوایی اخلاقی بزرگ، گمانه زنی های گوناگونی را در مورد علت دستگیری آنها به وجود آورد.

گمانه زنی ها ادامه داشت تا اینکه امام جمعه بابل در خطبه نماز جمعه از رسوایی بزرگی پرده برداری کرد و از ارتباط چهار عضو شورا با یک زن خبر داد.

پس از این خبر تعداد دستگیری ها در مجموعه شورا و شهرداری افزایش پیدا کرد و حتی پای برادر یکی از اعضای شورا در پرونده فساد باز شد. از میان پنج عضو دستگیرشده شورا چهار تن استعفا دادند و تنها یک تن از آنها تاکنون استعفا نداده است.

حجت الاسلام مجتبی روحانی، امام جمعه بابل در خصوص این ماجرا بیان کرد: زمانی که مسیر در مجموعه ای کج چیده شود نتیجه آن نیز همین خواهد شد. این افراد که در این ماجرا نقش داشتند بی حاشیه نبودند و شایسته بود که دستگاه های نظارتی توجه لازم را به خرج دهند اما کم لطفی صورت گرفت و این افسراد برای انتخاب پلامانع شدند. من چندین بار در نماز جمعه یادآور نکاتی در خصوص این افراد شدم.

وی ادامه داد: شنیده ام کسی که این فیلمبرداری را انجام داده اقتدر حرفه‌ای عمل کرده که جای هیچ گونه ابهامی باقی نماند. اینها افرادی بودند که دستگاه های مرجع نظر مثبتی در خصوص آنها داده بودند

زن صیغه‌ای

قربانه بده

۴۵ میلیون

مرد متأهل که پس از درگیری با همسر صیغه‌ای‌اش او را در خودرو خفه کرده بود به اتهام قتل عمد در شعبه دم دادگاه کیفری محاکمه شد.رسیدگی

به این پرونده از آبان پارساسل به‌دنبال ناپدید شدن دختر جوانی به نام پریشان آغاز شد. با مراجعه خانواده او به اداره پلیس تیم ویژه‌ای از کارآگاهان جنایی برای یافتن وی تشکیل شد.خیلی طول نکشید که جسد دختر جوان حوالی شهرک اندیشه در شهریار کشف شد. در حالی که کارآگاهان به‌دنبال ردپای عامل قتل بودند مردچهل وسه ساله‌ای خودش را به اداره پلیس معرفی کرد و گفت که پریشان را به قتل رسانده است.

با اعتراف اینه متهم کیفرخواست وی به اتهام قتل عمد صادر شد و فرید از زندان به شعبه دهم دادگاه کیفری به ریاست قاضی قربانزاده انتقال یافت تا محاکمه شود. در آغاز جلسه اولیای دم خواستار قصاص متهم شدند. سپس متهم در جایگاه قرار گرفت ودر شرح ماجرا به دادرسان دادگاه گفت: پریشان صیغه من بود. چند م‌ه‌ا بعد او چهل وپنج میلیون تومان از من برای سرمایه‌گذاری در یک شرکت قرض کرد. یک سالی گذشت اما او پولم را پس نمی‌داد این‌دو‌ا دتم را مطرح کرده بود وی گفت باهم ازدواج کنیم من می‌خواهم صاحب فرزند شوم... من هم که خ‌دم زن و بچه داشتم نمی‌توانستم خواسته او را اجابت کنم و با این حرف‌ها می‌خواست پولم را ندهد. روز حادثه داخل خودرو نشسته بودیم که درگیر شدیم و او را خفه کردم جسدش را به شهریار بردم ودر حاشیه شهر انداختم وپا به فرار گذاشتم اما خیلی زود پلیس‌ان شدم وخودم را به پلیس معرفی کردم. پس از اظهارات متهم قضاات برای صدور حکم وارد شورا شدند.

این در حالی است که برخی از این افراد واقعا‌شایسته این امر نبودند. بنا بر گفته امام جمعه بابل، این اتفاقات چند ماه در جریان بوده است. شورای شهر بابل ۹ عضو دارد که ۴ نفر از آن‌ها در یک گروه و ۵ نفر در گروهی دیگر قرار دارند. از مدتی قبل که قرار بود انتخابات هیات رئیسه شورا برگزار شود، اعضای یکی از گروه‌ها تصمیم به تغییر هیات رئیسه داشتند. به همین دلیل یکی از اعضای گروه دیگر که نمی‌خواست هیات رئیسه شورا تغییر کند، برای رسیدن به خواست‌اش چنین نقشه پلیدی کشید و با تطمع خامی در خارج از شورا، برای گروه مقابل دام پهن کرد.

این زن که رقیبه نام دارد و در یک آتلیه فعالیت می‌کند وظیفه اجرای این نقشه را بر عهده گرفت. وی که یک زن متاهل است و قصد جدایی از همسرش را دارد با مهارتی که در فیلمبرداری داشت، اعضای شورا را به خانه‌ای که از قبل تهیه شده بود کشاند و با شن دوربین که در زاویه های گوناگون جاساز شده بود از فساد خود با اعضای شورای شهر فیلمبرداری کرد.

رقیبه که با به اجرا گذاشتن مهریه خود در آستانه جدایی از همسرش قرار دارد با برادر یکی از اعضای زن شورای شهر بابل آشنا شد و با همکاری وی و یکی دیگر از اعضای شورای شهر بابل این دام را برای شورانیشان پهن کردند.

تاکنون هشت تن در خصوص پرونده رسوایی در شورای شهر بابل

قاتل مرد کارخانه‌دار در آستانه مجازات

این متهم با صدور کفرخواست به اتهام قتل عمد در شعبه چهارم به ریاست قاضی عبداللهی و سا حضور قاضی واعظی تحت محاکمه قرار گرفت. او در دفاع از خودش گفت: من حدود هشتصد میلیون تومان به آن مرحوم بدهکار بودم وقتی می‌خواستم بدهی‌ام را پس دهم او از من پول بیشتری می‌خواست،

حکم قصاص عامل قتل مرد کارخانه‌دار با مهر تأیید قضات دیوانعالی روبه‌رو شد.
سیدیگی به این پرونده خونین از سال ۹۴ به دنبال شلیک مرگبار به صاحب یک کارخانه در حوالی خیابان خاوران کلید خورد. متهم که خودش نیز کارخانه‌دار بود خیلی زود شناسایی و دستگیر شد و به قتل اعتراف کرد.



جزییات قتل هولناک مردقصاب

خودش را رد کرد و گفت: نه! این طوری نمی‌شود و سپس نقشه دیگری کشید و ادامه داد: شوهرم قصاب است تو به عنوان فردی که می‌خواهد گوسفند بکشد و او را به بیابان های اطراف بکشی و کارش را بساز! من هم این نقشه را بیشتر پسندیدم. «ف» مغز مرا شست و شو داده بود. او می‌گفت: پدر شوهرم خیلی مرا دوست دارد وقتی پسرش کشته شود من پول فروش خانه را برمی‌دارم، مهریه ام را از پدرشوهرم می‌گیرم و بچه هایم را نیز به آن‌ها می‌سیارم. آن زسان با یکدیگر به تهران یا شهر دیگری می‌رویم و زندگی می‌کنیم هیچ کس هم از این ماجرا بویی نمی‌برد! بهروز در ادامه اظهاراتش درباره اجرای این نقشه شوم گفت: یک شب تلفنی با شوهر «ف» تماس گرفتم و سا او در انتهای یکی از خیابان های شهرک مهرگان که به زمین‌های کشاورزی می‌رسید قرار گذاشتم تا گوسفندی را برایم بکشد! او هم شب راهی زمین های کشاورزی شده بود ولی من تردید داشتم و به همین دلیل سر قرار نرفتم! با وجود این، وسوسه های شیطانی «ف» مرا رها نمی‌کرد و او مدام روی مخم راه می‌رفت که باید شوهرش را بکشم! این گونه بود که تصمیم نهایی را گرفتم و روز بعد به در منزل مرد قصاب رفتم و از او خواستم تا برای کشتن دو گوسفند همراهم بیاید. یکی از بستگان او که سخنان ما را می‌شنید اصرار می‌کرد که قصاب ما بیاید! ولی «ف» به او نهب زد که کیجا می‌خواهد برود! مرد قصاب هم به او گفت: نه من تنها می‌روم احتمال دارد کارم طول بکشد!

دقایقی بعد من و مرد قصاب وارد خانه مجردی شدم او که گوسفندی را آن جا نمی دید مشکوک شد و گفت: پس گوسفند کور! گفتم دوستم برای خرید گوسفند رفته و به زودی گوسفندان را می‌آورم! بعد او را به داخل خانه دعوت کردم. خودم سیگار «بنگ» کشیدم و به او مشروب تعارف

کردم! از قبل داخل مشروب قرص های خواب آور ریخته بودم،وقتی مشروب را خورد خوابش گرفت می‌گفت چرا خودت نمی‌خوری؟ گفتم من این نوع مشروب را دوست ندارم و پرای آن که بیشتر شک نکنم مقدار دیگری مشروب را که جای دیگر گذاشته بودم کنارش قرار دادم و مقداری از آن را خوردم.

پسه او (مرد قصاب) گفتم تو کمی بخواب! وقتی دوستم گوسفندان را آورد تو را بیدار می‌کنم! او در حالت نیمه بیهوشی بود که من باز دچار تردید شدم و به منزل «ف» رفتم به او گفتم بیا زهر چمنی از او بگیریم و از قتلش بگذریم! ولی او باز مرا وسوسه کرد که حالا کار را تمام کن! به همین دلیل دوباره به خانه بازگشتم. از داخل کوچه بلوک سیمانی را برداشتم و در حالت خواب ضربه ای به سرش زدم سپس با تیغ موکت بری که برای همین کار خریده بودم رگ گردن و سپس رگ دستش را زدم! خون روی فرش منزل سواره زد. من بیرون آمدم و به منزل «ف» رفتم به او گفتم بیا کارش را ساختم! پس از آن در فکر نابود کردن جسد بودیم در بین راه مقداری بزینز از یک دست فروش خریدیم و به خانه آمدم! ابتدا تصمیم گرفتم او را در حیاط منزل دفن کنم ولی «ف» و کلنگ پیدا نکردیم این گونه بود که به سوزاندن جسد فکر کردیم. بیل و گشخانی شدیم و من داخل نمی‌آیم تو ابتدا با گوشی تلفن من چند عکس از جسد شوهرم بگیر! تا من ببینم! ما هم عکس‌ها را برایش گرفتم اما او بعد از سوزاندن جسد به من کمک کرد. جسد مرد قصاب ۳۱ ساله را به داخل حمام بردیم و آتش زدیم اما دود و بوی سوختن فضا را آغشته کرد و به همین دلیل شعله‌های آتش را خاموش کردیم. جسد همان جا ماند که ما به حضور سه پزشک تشکیل شدیم، اعضا پس از شنیدن اظهارات نامرد و بررسى جسد، صبح روز بعد او تلفن همراهش را کوک

اما آنجا وقتی وضعیتش را بررسی کردند و نوار قلب گرفتند تشخیص سرماخوردگی دادند و مرخصش کردند. حالش خوب نبود اما او را به خانه بردیم که چند ساعت بعد وضعیتش وخیم شد. وقتی اورژانس آمد آنها ما تجهیزات ندانشتند و «رضا» وضعیتش بدتر شد. شوهرم تا پیش از این اتفاق هیچ مشکلی ندانست و اگر در دست به او رسیدگی می‌کردند زنده می‌ماند. حالا باید پاسخگو باشن.

اعلام شکایت از پزشک کشیک و کادر اورژانس

پس مرگ «رضا»، خانواده او که معتقد بودند تصور کادر بیمارستان و اورژانس در تشخیص سندان صحیح علت بیماری باعث مرگ او شده است با مراجعه به دادسرای ناحیه ۱۹ تهران(جرایم پزشکی و دارویی) علیه بیمارستان و مرکز اورژانس شکایت کردند. به این ترتیب پرونده به جریان افتاد و دستور بازپرس ادامه تحقیقات به اعلام نظر پزشکی قانونی منوط شد. نخستین جلسه کمیسیون پزشکی آنجا در ۸ ماه بعد از مرگ با حضور سه پزشک تشکیل شد. اعضا پس از شنیدن اظهارات همسر «رضا» و بررسی مدارک، اظهار نظر دفاعی برای مرگ را به‌دلیل



چهارشنبه ۲۱ شهریور ماه ۱۳۹۷ شماره ۱۰۸۹۶

کشف انبار احتکار پوشک و دستمال کاغذی

مدیر کل تعزیرات حکومتی فارس از کشف انبار پوشک و دستمال کاغذی در شیراز به ارزش بیش از ۱ میلیارد ریال خبر داد.به گزارش روابط عمومی اداره کل تعزیرات حکومتی استان فارس،علی مبشری گفت : گشت مشترک تعزیرات حکومتی با همکاری سازمان اطلاعات سپاه استان ، پلیس امنیت اقتصادی و بازرسین سازمان صمت ، یک انبار را در خیابان تیموری شیراز کشف کردند که در آن تعداد زیادی دستمال کاغذی و پوشک بچه احتکار شده بود.وی با اشاره به بازداشت سه نفر دراین رابطه ادامه داد : طی بازرسی از این انبار تعدادی لوازم جعل نیز کشف شد که در بررسی‌های به عمل آمده مشخص شد که این افراد اقدام به تغییر تاریخ تولید و قیمت کالاهاى دپو شده می‌کردند. مدیر کل تعزیرات حکومتی فارس ارزش تقریبی کالاهای کشف‌شده را یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال عنوان کرد و افزود : پرونده‌ای که در این راستا تشکیل شده به شعبه ویژه ای ارجاع شده تا با سرعت رسیدگی و با متخلفین برخورد قاطع شود.
مبشری اضافه کرد : کالاهای احتکار شده طی اطلاع‌رسانی به شهروندان و با نظارت تعزیرات حکومتی و سازمان صنت ، در معرض فروش قرار خواهد گرفت.

گزارشوشی به بهانه بالا رفتن قیمت ارز

مدیر کل تعزیرات حکومتی استان فارس در ادامه از جریمه یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریالی شرکت فروشنده دوربین‌های مدار بسته خبر داد.

وی با اشاره به جریمه یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون ریالی شرکت فروشنده دوربین‌های مدار بسته، اظهار کرد: با اعلام شکایت از یک شرکت وارد کننده و فروشنده دوربین‌های مدار بسته منبتی بر گزارشوشی محصولات، رسیدگی به موضوع در دستور کار شعبه‌ای از سازمان تعزیرات حکومتی فارس قرار گرفت.مبشری اظهار کرد: با احتضار مدیر عامل شرکت به تعزیرات، شعبه رسیدگی کننده اقدام به تحقیق و بررسی پیرامون موضوع کرد.مدیر کل تعزیرات حکومتی فارس تصریح کرد: با کارشناس‌های انجام شده، گزارشوشی ۳۰۰ میلیون ریالی شرکت محرز شد و رای به پرداخت ۳۰۰ میلیون ریال در حق شاکی و جریمه یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریالی شرکت متخلف صادر شد.

دام کلاهبردار اینترنتی به بهانه استخدام در شرکت راهسازی

ریس پلیس فتا استان فارس کلاهبرداری از متقاضیان کار را یکی از سوژه‌های مرجان سایبری خواند و گفت: مجرمان سایبری با ترفندهای گوناگون درصدد کلاهبرداری از متقاضیان کار هستند.

سرهنگ حبیباله رجبعلی در گفت‌وگو با پایگاه اطلاع‌رسانی پلیس فتا اظهار کرد: در همین رابطه سا ارجاع یک فقره پرونده قضایی با موضوع کلاهبرداری از طریق درج آگهی استخدام در یکی از سایت‌های کاربر محور، کارشناسان این پلیس موفق به شناسایی متهم و استرداد وجه شاکی در کمترین زمان ممکن گردیدند.این مقام ارشد انتظامی افزود: جوانی ۳۰ ساله، جهت کارهایی در یکی از سایت‌های کاربر محور با تبلیغ فریبنده یک کلاهبردار موجه و با انتقال وجه ۱۵ میلیون ریال به کارت اعلام شده به منظور استخدام در یکی از شرکت‌های راهسازی در یکی از استان‌های همجوار اقدام و پس از مراجعه به شرکت مورد نظر متوجه می‌گردد این شرکت راه‌سازی هیچ اعلام نیازی در این خصوص نداشته و مورد کلاهبرداری قرار گرفته است.

سرهنگ رجبعلی بیان کرد: با توجه به اقدامات فنی کارشناسان پلیس فتا متهم در یکی از استان‌های مرزی شناسایی و نسبت به عودت وجه شاکی اقدام گردید.این مسئول در توصیه به شهروندان گفت: بسیاری از آگهی‌های استخدام که در فضای مجازی و به خصوص شبکه‌های اجتماعی انتشار می‌یابد جعلی بوده و از سوی کلاهبرداران با اهداف خاص انتشار یافته است، لذا کاربران باید دقت کنند تا در دام مجرمان سایبری نیفتند. وی در پایان خاطرنشان کرد: شهروندان عزیز، در صورت اطلاع از هر گونه فعالیت مجرمانه در فضای مجازی به خصوص در سایت‌های کاربر محور مراتب را از طریق نشانی پلیس فتا به آدرس www.cyberpolice.ir بخش ارتباطات مردمی گزارش نمایند.

کلاهبرداری با وعده گویندگی رادیو

جوان کلاهبرداری که با ایجاد گروه مجازی گویندگی رادیو اخاذی می‌کرد، به دام پلیس فتا قسا افتاد.

فرمانده انتظامی شهرستان فسا گفت: فردی ۲۰ ساله که با ایجاد گروه مجازی گویندگی رادیو، از تعدادی هنرآموز مبلغ ۶۰ میلیون کلاهبرداری کرده بود توسط پلیس فتا دستگیر شد.

سرهنگ فرح رستمی افزود: در پی ارجاع پرونده قضایی با موضوع کلاهبرداری رایانه‌ای با ۶ شاکی خصوصی و ۳ شاکی دولتی، رسیدگی به موضوع در دستور کار پلیس فتا قرار گرفت.

وی ادامه داد: کارشناسان سایبری با اقدام فنی موفق به دستگیری متهم ۲۰ ساله شدند که وی در بازجویی به عمل مجرمانه و برگزاری دوره‌ها در منزل شخصی خود با قصد سوء استفاده و اغفال شاکیان خصوصی اعتراف کرد.

سرهنگ رستمی افزود: متهم با وعده ارائه مدرک معتبر گویندگی رادیو و بازیگری با سوءاستفاده از عنوان سازمان‌ها و اداره‌های مرتبط دولتی، مبلغ ۶۰ میلیون ریال کلاهبرداری کرده بود.



کرده بود که ساعت ۵ صرا از خواب بیدار کند. من و «ف» به خانه خودم رفتم و جسد را روی پرده منزل گذاشتم و کشان کشان، در محل کشف رها کردیم. از آن روز به بعد نیز «ف» به منزل یکی از بستگانش رفت ولی من از او خبر داشتم تا این که به پلیس آگاهی احضار شد. فهمیدم که او در برابر بازجویی‌های پلیس دوام نمی‌آورد. به همین دلیل فرار کردم تا این که چند روز بعد توسط کارآگاهان اداره جنایی غافلگیر و دستگیر شدم!

در پی اعترافات صریح متهم معروف به «دم اسمبی» وی با صدور قرار بازداشت موقت از سوی قاضی «کاظم میرزایی» روانه زندان شد اما باز هم بنا به نظر مقام قضایی، تناقض‌هایی در اعترافات وی دیده می‌شود که باید طی ترقدهای آینده، دو متهم این پرونده جنایی با یکدیگر مواجهه حضوری شوند.

اشتباه جبران ناپذیر پزشکی ارشد بیمارستان

انجام نشدن کالبدشکافی امکانپذیر ندانست و از آنجا که بیمارستان باید قبل از صدور جواز دفن جسد را برای کالبد شکافی به پزشکی قانونی می‌فرستاد این کار را تخلف انتظامی دانست. اما با توجه به اینکه فشار خون ثبت شده بیمار در زمان مراجعه به بیمارستان اول پایین بوده و کادر اورژانس بدون توجه به این موضوع اقدام به ترخیص بیمار کرده است پزشک ارتقدهای زیردست‌ها به‌دلیل بی‌توجهی به عملکرد به‌عملکرد کادر به میزان ۲ درصد مقصر شناخته شد.اما اعضای جلسه تخلفی را متوجه سازمان اورژانس ندانستند. با این نظریه پرونده پس از صدور کیفرخواست‌سا با عنوان قتل شده عمدی ناشی از قصور پزشکی برای محاکمه به شعبه ۱۰۴۳ دادگاه کیفری ۲ (مجمعت شهید قدوسی) به ریاست قاضی محبوب افراسیاب ارسال شد. قاضی پرونده پس از بررسی مدارک و شنیدن اظهارات شاکی و متهم پرونده، پزشک ناظر کشیک بیمارستان اول را به‌دلیل بی‌توجهی به عملکرد زیردست‌ها به پرداخت ۱۰ میلیون تومان جزای ترقدهای آینده، دو متهم این پرونده جنایی با یکدیگر مواجهه درصد دیه کامل انسان محکوم کرد.